



شورای عالی حوزه علمیه قم
مرکز مدیریت حوزه های علمیه خواهران
مدرسه علمیه الزهرا (سلام الله عليها) شهرستان شیراز
مقاله سطح ۲ (کارشناسی)

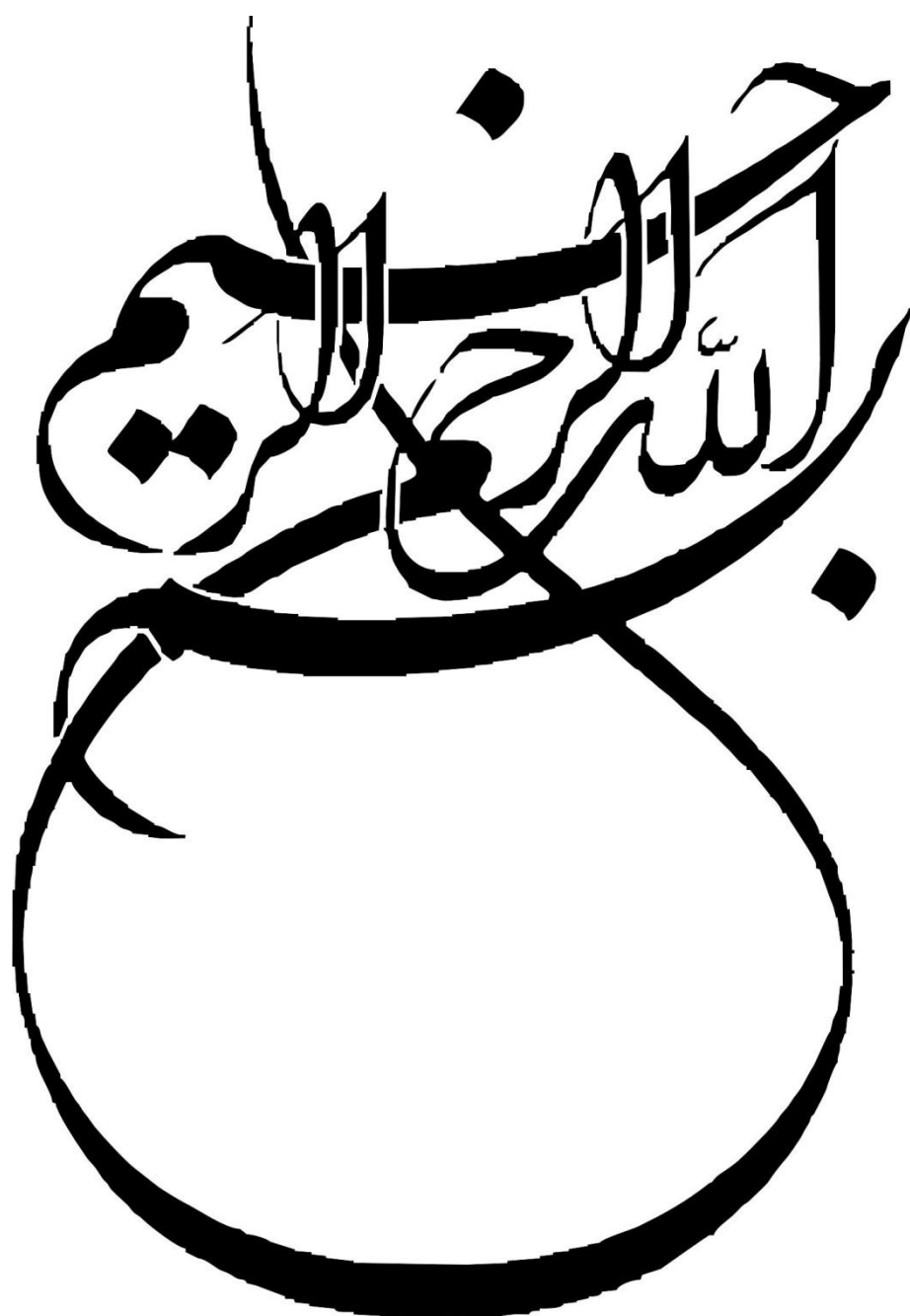
عنوان

تاریخچه نفوذ دراویش گنابادی در ایران و بررسی عقائد آنها

استاد راهنما
سرکار خانم رضوی

پژوهشگر
نرجس سادات حسینی

بهار ۹۷





شورای عالی حوزه علمیه قم
مرکز مدیریت حوزه های علمیه خواهران
مدرسه علمیه الزهرا (س) شهرستان شیراز
مقاله سطح ۲ (کارشناسی)

عنوان

تاریخچه نفوذ دراویش گنابادی در ایران و بررسی عقائد آنها

استاد راهنما
سرکار خانم رضوی

پژوهشگر
نرجس سادات حسینی

بهار ۹۷

چکیده

یکی از نیازهای اساسی انسان‌ها از ابتدای تاریخ تا کنون آرامش جویی و دین‌گرایی است که هر دوی اینها گره در کسب دیگری دارد. این اصل را در تمام اعصار می‌توان مشاهده کرد. زمانی که گرایش‌های متعالی انسان هدایت نشود و با توهم تلفیق گردد خرافات پدید می‌آید. در این افراد خرافات جایگزین یک حقیقت گمشده در زندگی گشته است که همان معنویت می‌باشد. ذکر این نکته ضروری است که ریشه خرافات در نادانی و کم‌خردی بشر در شناخت خود و حقایق عالم است و در کلام معصوم داریم: (من عرف نفسه فقد عرف ربه). در عصر کنون که پیچیدگی‌های زندگی در جوامع امروزی و شهرهای بزرگ همواره با شلوغی‌ها و جنون سرعت و مسابقه افراد بشری به سوی مصرف‌گرایی بیش از حد و دور شدن مردم از زندگی طبیعی و به دنبال آن ایجاد فشارهای روحی و روانی، دور شدن از معنویت، افزایش مادی‌گرایی باعث ایجاد نوعی خلاء و تشنگی مردم نسبت به مسائل معنوی شده است. از این رو ایجاد هرگونه گردهم‌آیی تحت عنوان کلاس معنوی و آرامش روحی و روانی تفکر به شدت موجب جذب افراد می‌گردد. در اینجا است که با نام جدیدی به نام عرفان‌های کاذب مواجه می‌شویم. اما نه آن عرفان حقیقی که در آن نه خبری از وحدت وجود یافت می‌شد، نه ادعای اتحاد و حلول پیدا می‌کنیم، نه از ترک شریعت به بهانه وصول به حقیقت اثری می‌یابیم. امروزه دراویش که اصلی‌ترین حزب آن دراویش گنابادی است خود را مدعیان اصلی کسب عرفان می‌دانند و سعی دارند که با روش‌های گوناگون به جذب افراد بپردازند. این تحقیق بر آن است که تشکیل گروه دراویش گنابادی از ابتدا تا عصر امروز و عقاید و جایگاه آنان را به طور مختصر بیان کند.

کلید واژه‌ها: دراویش، گناباد، خانقاه، قطب، تصوف.

۱- مقدمه

افراط و تفریط در هر زمینه‌ای سبب انحراف انسان‌ها از راه راست به بیراهه‌ی جهالت می‌باشد اما انسان‌ها گاهی برای منافع خود و گاهی نیز در اثر جهالت این امر را رعایت نمی‌کنند و این در مسئله‌ی مذهبی زمینه‌ای می‌شود که با وجود دین کامل اسلام فرقه‌های گوناگونی پدید آید.

در صدر اسلام همواره کسانی بودند که به اشتباه فکر می‌کردند برای رسیدن به تهذیب نفس باید خود را از زندگی اجتماعی دور کنند و لباس‌های پشمین ضخیم برتن داشته باشند زیرا بر این باور بودند که دنیا جایی برای راحتی نیست اینان همان صوفیان اند.

صوفیان که حتی در احادیث نیز مورد نکوهش قرار گرفتند در تمامی اعصار به فعالیت‌های خود به صورت قوی یا ضعیف ادامه داده اند این فرقه در قرن پنجم هجری بیش تر از قبل به فعالیت‌های خود ادامه داد اما به دلیل توطئه‌ای که برای غصب جایگاه حکومت کردند سرکوب شدند.

اما دست از فعالیت خود برداشتند و به سمت شرق حرکت نمودند و توسط پادشاهان هندی حمایت شدند. پس از مرگ موسس آن، این فرقه به پنج حذب تقسیم شد که یکی از احزاب آن دراویش گنابادی است.

در این مقاله پس از بررسی چگونه به وجود آمدن فرقه دراویش به بیان جایگاه و عقاید آن پرداخته می‌شود تا بتوان عقاید ضاله را از عقاید حقه شناسایی کرد و در آخر به بیان نظر علمای شیعه در عصر کنون در رابطه با این فرقه پسندیده خواهد شد.

۲- تاریخچه تصوف

یافتن تولدگاه دقیق تصوف غیر ممکن است زیرا تحریف حقایق کار ساز و مشکل گشای، تحقیق چنان از یادها رفته‌اند که کوچک‌ترین نشانی از آن‌ها نمی‌توان یافت. بهمین لحاظ تصوف را باید در میان تمامی فرقه‌ها، ملت‌ها، مذهب‌ها جستجو کرد و اعتقاد داشت که عواملی خارجی از

از جمله کراماتی که بر بایزید بسته اند و در تذکره الاولیاء نقل شده این است که روزی در ویشی نزد او آمد و از حیا مسئله‌ای پرسید و او جواب سوال را گفت ناگهان درویش آب شد! مریدی از در آمدید آب زردی روی زمین ایستاده گفت ای شیخ: این کیست؟ گفت: یکی از در آمد و سوالی از حیا کرد، من جواب دادم طاققت نداشت اینطور شد.

۵- نظر علمای وقت درباره‌ی دراویش گنابادی

آیت الله خامنه‌ای: از زمان بعثت پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) و عصر ائمه‌ی اطهار (علیهم‌السلام) تا زمان حاضر، همیشه مسجد پایگاه اقامه‌ی نماز و شعائر دینی و تبلیغ معارف اسلامی بوده و خانقاه، اساس و جایگاهی نداشته است. بنابراین، باید از شرکت در این‌گونه جلسات و هرگونه عملی که باعث ترویج این‌گونه مراکز شود، اجتناب گردد.

امام خمینی(ره) نیز در کتاب «چهل حدیث» در خصوص علم ستیزی دراویش می نویسد: «چون دست دراویش از علوم تهی است، علم را خار طریق و اهل علم را شیطان راه سالک می‌شمارند. این افراد فهمیده یا نفهمیده پاره‌ای از اصطلاحات جاذب را به خورد عوام بیچاره داده و گمان کرده اند به لفظ مجذوب علی شاه یا محبوب علی شاه حال جذبه و حب دست می‌دهد و گاه وقاحت را از حد گذرانده و خود را دارای مقام ولایت کلیه دانسته اند که منشأ آن تکبر، جهل و بی‌استعدادی آنان است.»

آیت الله العظمی مرعشی نجفی می‌فرماید: «حادثه‌ی پیدایش تصوف در اسلام از بزرگ‌ترین مصیبت هاست، با ورود تصوف در اسلام اساس اسلام ویران شد و در پایه‌های آن شکاف ایجاد شد. اینجانب پس از بررسی‌های بسیار و اندیشه‌ی عمیق در سخنان صوفیان به اهداف آنان پی‌بردم. من پس از ملاقات با اقطاب صوفیه به این نتیجه رسیدم که نقطه‌ی آغازین این مصیبت رهبانیت مسیحی است که برخی از سنی‌مذهبان مانند حسن بصری، شبلی، معروف کرخی، طاووس زهری و جنید بغدادی تصوف را از راهبان مسیحی اخذ نمودند و سپس تصوف به تشیع نیز سرایت

نمود.»

«علامه طباطبایی» در تفسیر المیزان می فرمایند: «صوفیه برای سیر و سلوک آداب و رسوم خاصی را که در شریعت وجود نداشت به وجود آوردند و راه های جدیدی را پیوسته به آن افزوده و شرع را کنار گذاشتند. تا این که به جایی رسیدند که شریعت را کنار گذاشته و در محرمات غوطه ور شدند و واجبات را ترک کردند و در آخر منتهی به تکدی و استعمال بنگ و افیون شدند که این حالت، آخرین حالت تصوف است که مقام فنا نامیده می شود.»

حجت الاسلام علی بهجت فرزند مرجع عالیقدر تشیع و عارف و ارسته حضرت آیت الله العظمی بهجت (ره) با بیان این که فرقه صوفیه مورد تایید آیت الله بهجت (ره) نبود گفت: آیت الله بهجت (ره) فرقه صوفیه را قبول نداشتند و تصوف مورد تایید ایشان نبود و حضور در خانقاه از نظر ایشان جایز نبود.^۱

آیت الله شاهرودی : عمل ایشان از صدر اسلام با مخالفت و نهی حضرت رسول روبرو شد و در ادامه اهل بیت (علیهم السلام) از فکر و مکتب آنها ممانعت فرموده اند در این مسئله می توانید به کتاب سفینه البحار مرحوم محدث قمی باب الصاد بعده الواو رجوع کنید اهل بیت (علیهم السلام) صوفیان را خلفاء شیطان و خراب کننده قوانین و قواعد دین معرفی می کنند. حضرت هادی می فرمایید : صوفیان چه آنها که ادعای پیروی از امت هستند و چه از اهل تسنن، همه مخالفت ما هستند و روش آنها با روش ما مغایر است و آنها نصاری و مجوس این امت هستند که در خاموش کردن نور الهی می کوشند. هر طریقی غیر از راه معصومین علیهم السلام به غیر خدا ختم می شود و کلماتی چون «بنا عبد الله» «بنا عرف الله» «بکم یسئلک الی الرضوان» «هم درجات عند الله» «علی مع الحق والحق مع علی» و به وضوح براین معنا دلالت می کند کشف و کرامت و خبر از نادانسته ها بر فرض حقیقت داشتن دلالت بر حقانیت صاحب آنها نمی کند : «و ان

الشیطان لیوحن بعضهم الی بعض» بروز انواع فسادها، گناهان صغیره و کبیره، خود پرستی ها و تمجیدهای مختلف از خود از این طائفه شاهدهی برکذب مدعیات ایشان است..

آیت الله نوری همدانی:

۱- اسلام، دینی پرخروش و جهاد گر است در حالی که صوفیان اسلام را در خرقة، خانقاه، سبیل و ... محصور کرده اند.

۲- یکی از مشکلات علمای ما از گذشته مسالهی صوفی گری بود. از زمان امام صادق (علیه السلام) عده ای به نام صوفیه پیدا شدند و امام صادق (علیه السلام) اعلام کردند این ها دشمنان ما هستند، اگر کسی به آنها گرایش بیابد از دشمنان ما به شمار می رود اما متأسفانه بعدها جریاناتی به وجود آمد که این فرقه منحرف تقویت شدند.

۳- بسطامی و ابوالخیر را از جمله کسانی هستند که صوفی های به عنوان مشایخ خود از آنان شخصیت برجسته ای ساخته اند و مثلاً در کتاب تذکره الاولیا نوشته شده است که بارها خدا را در خواب دیده ام.

۴- فرق صوفیه که به هفتاد فرقه تقریباً بالغ می شوند کلاً محکوم به بطلان و انحراف می باشند.

از آنجا که حضرت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) در حدیث ثقلین که از لحاظ سند متواتر و از جهت دلالت بسیار روشن است قرآن مجید و اهل بیت (علیهم السلام) را معیار تبیین معارف اسلام و میزان حق و باطل معرفی نمودند و اهل بیت (علیهم السلام) نیز مسلک صوفیگری را مسلک باطل و منحرف و صوفیه را دشمنان اسلام و اهل بیت (علیهم السلام) معرفی کرده اند و مردم را از گرایش به آنها و کمک به آنها جدا نهی نموده اند. حقیقت امر روشن گردید و لذا تردیدی در بطلان مذهب صوفی ها وجود ندارد. صوفیه با قطب سازه ها و منقبت پردازی ها و ادعاهای گزاف و بی دلیل و تمسک به خرقة خانقاه و جعل عشریه و امثال آن راهی را پیش

گرفتند که مورد پسند جباران روزگار و مستکبران گردید. جبارانی که فرهنگ اهل بیت عصمت (علیهم السلام) را بر نمی تافتند و تحمل نمی کردند. لذا صوفیه را تقویت کردند و در طول تاریخ یکی از گرفتاریهای علمای بزرگ صوفیه ها بوده اند.

این مطلب روشن است که اسلام ناب محمدی (صلی الله علیه وآله و سلم) که اسلام پر خروش و فریاد گر در برابر ستمکاران است هرگز با صوفیگری همخوانی ندارد. باید این نکته را بدانیم که عرفان اسلامی با صوفیگری اصلا منافات دارد.

۶- نتیجه گیری

پیدا کردن تاریخچه تصوف امری غیر ممکن است زیرا تصوف در هر زمانی متناسب با وضعیت آن زمان به خود شکل میگیرد اما آنچه که واضح و آشکار است حضور صوفیان از زمان صفویه می باشد که توسط نعمت الله ولی بنیان گذاری شد و خود این فرقه به پنج دسته تقسیم میشود که یکی از آنها دراویش گنابادی است. فرقه ای که در ظاهر خود را اثنی عشری معرفی می کنند در حالی که هم عقل و هم نقل را دور می اندازند و برای تحمیل آرای غیر منطقی خود پای کشف و شهود را به میان می کشند.

همچنین با شجرنامه ی ساختگی خود را به معصومین نسبت می دهند و این درحالی است که نه تنها افکارشان بلکه ظاهرشان و نیز گفتارشان گویای دشمنی با اهل بیت (علیهم السلام) می باشد. بلکه خود اهل بیت علیهم السلام نیز در احادیث خود آنان را مورد نکوهش قرار داده اند.

و باید در عصر امروز با بیان روشنگری و بیان استدلال های منطقی مردمی را که از روی جهل به این فرقه گرویدند را از این بیراهه ظلمت خارج نمود.

فهرست منابع و مأخذ

۱. باقریان ساروی، احمد، آن سوی صوفی گری، چاپ چهارم، قم، موسسه بوستان کتاب، ۱۳۸۶.
۲. تابنده، علی، خورشید تا بنده، تهران، حقیقت، ۱۳۷۱.
۳. عطار، فرید الدین، تذکره الاولیاء، ج ۲ و ۴، تهران، بی نا، بی تا.
۴. مکارم شیرازی، ناصر، جلوه حق، قم، انتشارات دار الفکر، بی تا.
۵. واحدی، تقی، در کوی صوفیان، چاپ چهارم، تهران، نخل دانش، ۱۳۸۴.
۶. الهامی، داوود، فرقه نعمت الاهی و گنابادی، قم، موسسه دفاع از حریم اسلام، ۱۳۸۰.

سایت ها

۱. سایت مجذوبان نور.
۲. سایت حیدریون.
۳. www.ferghenews.com